

کارکرد استعاره و تحلیل آن در حجم سبز سپهری

یدالله نصرالهی *

گلناز عدالتی **

چکیده

استعاره از ارکان مهم بلاغت است و آن را یکی از مهم‌ترین صور خیال در دنیای ادبیات دانسته‌اند. غالب منتقدان، سبک فردی و خاص سپهری را در علاقه و رغبت فراوان او به ساخت و کاربرد استعاره دانسته‌اند. استعاره پس از مجاز، پربسامدترین صورت خیال در شعر حجم سبز سهراب سپهری است؛ واضح است که محدودیت تعیین مرز و حد دقیق استعاره و مجاز می‌تواند فراوانی کاربرد استعاره در شعر سهراب را بیشتر نشان دهد. از انواع استعاره، نیز بسامد استعاره مصرحه بیشتر از استعاره مکنیه یا تخیلیه است. بالا بودن فراوانی کاربرد استعاره از تشبیه در شعر سهراب سپهری، علاقه و رغبت فراوانی است که سهراب به صورت خیال استعاره دارد. نتیجه پژوهش حاضر این است که از حیث مفهوم، غالب استعاره‌های سهراب برگرفته از عرفان خاص او یعنی عرفان شرقی است و در واقع، سهراب استعاره‌های زیادی در موضوع نور، خواب، آب و... دارد. برجسته‌سازی عنصر دیگری است که سپهری در کنار استعاره‌پردازی در شعر خود از آن بهره برده و سهراب کاربرد استعاره‌های خود را بر پایه برجسته‌سازی قرار داده است. استعاره‌های سپهری، یکسره برگرفته از نظام اندیشه‌ای و اعتقاد و علاقه به دنیای وحدت مدار عرفان اوست و این نوع بیان ترکیب عرفان و کلیت و وحدت با استعاره از شگردهای شاعری و شعرگویی سپهری است. روش تحقیق این مقاله، توصیفی، مقایسه‌ای و تحلیلی است که در آن از شیوه‌های اسنادی، فیش‌برداری و کتابخانه‌ای بهره برده است.

واژه‌های کلیدی: استعاره، حجم سبز، سپهری، صورخیال، عرفان شرقی.

مقدمه

سهراب سپهری شاعر و نقاش مشهور و توانای معاصر زاده ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۰۷ در کاشان، مهم‌ترین اثر وی هشت کتاب است، این اثر به طرز زیبایی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های او نسبت به اجتماع و زندگی خود را بیان می‌کند که در جای خود شاهکار ادبی است. هشت کتاب کشکولی انباشته از دانایی‌های رنگارنگ است. (سیاهپوش، ۱۳۷۶: ۱۰۶، به نقل از قدمعلی سرامی در مقاله شاهین ترازوی شگفت). اگر سپهری این شعرها را به هر زبان زنده دنیا می‌سرود، از چهره‌های درخشان شعر دنیا بود. (ناصری گیلانده، ۱۳۸۱: ۸). «حجم سبز» هفتمین مجموعه شعر سپیدی و کامل‌ترین مجموعه از هشت کتاب است. «حجم سبز» پایان آخرین جستجوهای سپهری در شعر «مسافر» اوست، گویی پاسخ همه پرسش‌ها را یافته و به همه حقایق رسیده است. در این مجموعه دنیای دلخواه زمینی شاعر را می‌توان احساس کرد (عباسی طالقانی، ۱۳۷۷: ۱۳۸). سپهری شاعر آب است اما نه آبی ساکن و راکد بلکه آبی شفاف، آبی که چون عنصر ازلی روح را تطهیر می‌کند، آبی که کیمیای دگرگونی‌هاست و این آب را با رنگ سبز آمیخته است و این اتفاقی نیست که مجموعه زیباترین اشعار او «حجم سبز» نامیده شده است. به جرأت می‌توان گفت بسیاری از ابیات قطعه شعرهای «حجم سبز» در ذهن و باور مردم امروز جاری است و حتی به صورت ضرب‌المثل به کار برده می‌شود (علی‌پور، ۱۳۸۹: ۴۴). حجم سبز حاوی ۲۵ شعر از سپهری است، که طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ سروده شده‌اند. حجم سبز تلاش به ثمر رسیده سپهری در بیان مقصود خویش است. این مجموعه ارزشمند که نهایت پختگی سپهری را به تصویر می‌کشد، از برجسته‌ترین آثار شعر معاصر است (عماد، ۱۳۷۸: ۳۱۴-۳۱۳).

سهراب سپهری را به همراه نیما، اخوان، فروغ و شاملو، از بزرگان و تأثیرگذارترین شاعران شعر نو می‌دانند و بالأخص نگاه و جهان‌بینی خاص عرفانی و انفسی او، شعر او را خاص و ممتاز جلوه کرده است. «استعاره» یکی از پربسامدترین صورخیال و ایماژها در شعر سپهری است. مانند دیگر شاعران، تصویر و صورخیال در شعر سپهری نیز از عناصر و ارکان مهم ابداع و ایجاد در شعر و شاعری است؛ چون صورخیال به ویژه تصویر استعاره که احتمالاً نشئت گرفته است از عرفان و تجربه‌های متافیزیکی عرفانی، او را ناگزیر کرده است از در شعر خود بیشتر از آن بهره ببرد.

ساخت استعاره تنها مختص به شاعر نیست، همه مردم استعاره می‌سازند و از آن برای بیان پیام آشکار و ضمنی خود کمک می‌گیرند. به عنوان مثال؛ نوعی گیاه را «گاوزبان» و یکی از اجزای ماشین را «سگ دست» می‌گویند. استعاره نه تنها در زندگی روزمره مردم کاربرد دارد بلکه کمتر دانشمند و صاحب نظری را می‌توان یافت که در صورت‌بندی فرضیه‌های پژوهشی خود از آن

استفاده نکرده باشد. مثلاً؛ در علم بلاغت به آوردن کلمات هماهنگ در پایان قرینه‌های نثر عنوان «سجع» (در لغت آواز کبوتر) یا در فن عرض به تکرار رکن فاعلاتن نام بحر «رمل» (در لغت با لیف خرما حصیر بافتن) داده‌اند که هر دو نوعی استعاره است. پس‌بخش مهمی از ارتباط کلامی ما را استعاره‌ها تشکیل می‌دهند (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۲۵).

از نظر ارزش خیال‌انگیزی، استعاره در بین صور خیال، در والاترین جایگاه قرار دارد به دلیل آنکه ذهن خواننده در این گونه از تصویر فعال‌تر است.

قدما فضیلت استعاره را در این دانسته‌اند که هر لحظه می‌تواند بر قامت سخن جامه نو بپوشاند و از تکرار ملال‌آور آن جلوگیری کند (فتوحی، ۱۳۸۵: ۹۳). جرجانی در مورد استعاره می‌گوید: «به یاری استعاره، جمادات را زنده و زبان‌دار، بی‌زبان را فصیح و سخنور، چیزهای صامت و گنگ را خطیب و سخنگو و بزم‌آرا، می‌یابی. در این عرصه پرشکوه که معانی کوتاه و نارسا، روشن‌گر و پرتجلی شده‌اند و استعاره را در میان مقیاس‌های سخن، مقیاسی بلیغ و یاری‌کننده می‌یابی که پربهتر از آن هیچ نیست (جرجانی، ۱۳۸۹: ۳۱).

به گفته نورتروپ فرای دنیای اساطیری دنیایی سراسر استعاره است (حسینی، ۱۳۷۵: ۱۸). درباره رمز زیبایی و تأثیر استعاره که سخنوران اروپایی آن را «ملکه تشبیهات مجازی» خوانده‌اند، قدیمی‌ترین کسی که به تحقیق پرداخته، ارسطو است، او می‌گوید: «آنچه در بیشتر عبارت‌های بلاغی انگیزه مسرت است منشا آن استعاره است» (ضیاء آذری، ۱۳۹۰: ۷۰). دکتر «جانسون» درباره بیان استعاری گفته است: «وقتی به طرز شایسته استفاده شود یک امتیاز بزرگ در سبک است چرا که برای یک چیز دو ایده به دست می‌دهد»

در سراسر تاریخ بلاغت به استعاره به دید نوعی تردستی فوق‌العاده ماهرانه و مجالی برای استفاده از عوارض تغییرپذیری (معنی) کلمات و چیزی که تا اندازه‌ای به جاست اما مستلزم مهارت و دقت غیرعادی است نگاه کرده‌اند؛ خلاصه، زیبایی، تزیین و قدرت اضافی زبان نه شکل لازم آن (ریچاردز، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۰).

ریکور می‌گوید: «زبان بی‌استعاره و بدون این نیروی یگانه‌ای که به آن امکان می‌دهد تا فراتر از خود رود، خاموش می‌ماند. پس استعاره بارها دور از آنکه همچون پند از نظریه بیان، زینت کلام باشد آشکارکننده تجربه‌ای کمیاب است» (ریکور، ۱۳۷۸: ۵۵-۵۴) او در کتاب «زندگی در دنیای متن» در نهایت، استعاره را افزونه‌ای بر زبان می‌داند و می‌گوید: «استعاره به سهم خود؛ چیزی نیست جز افزونه‌ای در نسبت با زبان متعارف» (ریکور، ۱۳۷۸: ۵۷).

از این منظر، سوال‌هایی از این سنخ را می‌توان سوال تحقیق حاضر دانست: پرکاربردتری صورت خیال در شعر حجم سبز چیست؟ نقش و کارکرد استعاره در شعر سپهری چه بوده است؟ چرا

سپهری در شعر خود از استعاره، به وفور استفاده کرده است؟ و می‌توان چنین فرضیه‌هایی بر آن قائل شد: شعر سپهری در مقایسه با شعر دیگر شاعران نوپرداز در کاربرد صورخیال با آنها تفاوت زیادی دارد؛ عرفان و تجربه عرفانی در رغبت سپهری به استعاره نقش زیادی داشته است؛ برخلاف تصور اولیه، کاربرد استعاره، بیش از حد معمول شعر سپهری را مبهم نکرده است.

بحث

آدمی برای توصیف خیالات و اندیشه‌های گوناگونی که در ذهنش پیدا می‌شود به آرایش دادن الفاظ و تعبیرات مختلف نیاز دارد و چون برای توصیف آنچه که در فکر او ایجاد می‌شود به اندازه کافی کلمه یافت نمی‌شود. این است که می‌خواهد معنای واحد را، به طرق گوناگون بازگو کند تا شنونده را خوش‌تر آید مثل اینکه به جای کلمه‌ی «جوانی» گاه می‌گوید: «بهار زندگانی». (علوی مقدم، ۱۳۷۲: ۳۰۲) و اینجاست که استعاره به‌عنوان یک فن بلاغت و شیوایی سخن، وارد میدان می‌شود تا الفاظ، برگزیده‌تر و خوشایندتر گردد.

سپهری شاعری است که حیطه شعر خود را به دامنه و بستری برای ترسیم دنیایی خاص که قابل تجربه برای دیگران، جز او نیست، تبدیل نموده است. دنیای او برای هر کسی نمی‌تواند شناخته شده باشد. مسیر شاعری و کمال وی، در واقع جریانی است که در آن اندیشه‌ها و سلوک وی، کمال یافته است.

سهراب سپهری را از آن نظر که بنیان‌گذار سبک و روال معینی در شعر فارسی است می‌توان در ردیف صاحب سبک‌هایی چون نیما، شاملو و دیگران نهاد. با توجه به این سبک شعر و شاعری او هر چه پا در دایره استعاره‌هایش نیز می‌گذاریم تازگی و زیبایی و رنگارنگی تصاویر استعاری‌اش ژرفا و جاودانگی شعر را آشکارتر می‌کند.

استعاره مصدر باب استفعال به معنی عاریه گرفتن و عاریه خواستن چیزی است. استعاره عبارت است از آنکه یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کنند. لفظ را «مستعار» معنی مراد یا مشبه را «مستعارله»، مشبه به را «مستعارمنه» و وجه شبه را «جامع» می‌گویند (تفتازانی، ۱۳۷۶: ۲۱۹). شاید هیچ کدام از صور خیال شاعرانه،

به اندازه استعاره در آثار ادبی به ویژه شعر اهمیت نداشته باشند و از نظر تحول تاریخی ادبیات یک زبان به طور روشنی می‌توان دریافت که سرانجام هر تشبیه خوب، یک استعاره است؛ یعنی صورت تکاملی و تلخیص شده هر تشبیه زیبا و مورد قبول ارباب هنر سرانجام به گونه استعاره در می‌آید (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۱۸).

به نظر دکتر کزازی نیز استعاره دامی است تنگ‌تر و نهان‌تر از تشبیه که سخنور در برابر خواننده یا شنونده خود در می‌گسترده. استعاره سخن دوست را بیشتر به شگفتی درمی‌آورد و به درنگ درسخن برمی‌انگیزد (کزازی، ۱۳۷۰: ۹۴).

استعاره در اصطلاح علم بیان، عاریه گرفتن لفظ از معنی حقیقی و موضوع له و استعمال آن در معنی مجازی و هنری به علاقه شباهت با وجود قرینه صارفه^[۱] است.

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند
درخت گل استعاره از زیبا روست، به این اعتبار که هر دو زیبا و باطراوت هستند. برای استعاره تعریف دیگری نیز شده است؛ به این ترتیب که استعاره تشبیهی است که فقط مشبه به آن باقی مانده باشد یعنی مشبه به را بگوییم و غرض ما مشبه باشد، بنابراین استعاره هم از طریق تشبیه و هم از طریق مجاز - هردو - ساخته می‌شود؛ یعنی استعاره از یک طرف مجازی است که علاقه آن مشابهت است و از طرف دیگر تشبیهی است که یکی از طرفین آن حذف شده باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۹۲).

استعاره از یک سو با تشبیه و از سوی دیگر با مجاز در پیوند است به لحاظ اینکه ژرف ساخت هر استعاره‌ای همانندی و تشبیه است که در آن ادات و یکی از طرفین تشبیه حذف می‌شود به گونه‌ای که تنها «مشبه یا مشبه به» باقی می‌ماند. هم چنین استعاره کاربرد واژه در معنی هنری بر اساس علاقه شباهت است که لباس و هیئت مجاز را بر تن دارد و بدان «مجاز بالاستعاره» می‌گویند (گلی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

استعاره در هر طبقه‌ای که بگنجد، به زبان خودکار تعلق داشته باشد یا به ادبیات، در پیدایش از یک فرآیند شکل‌گیری واحد تبعیت می‌کند. (ساسانی، ۱۳۸۳: ۲۵) تصویر استعاری، وضوح و روشنی کمتری از دیگر صور خیال دارد و به همین دلیل ابهام و پیچیدگی آن بیشتر است. سخنور به وسیله استعاره از مرزهای نهاده شده واژه فراتر رفته در نهایت سبب شگفتی و غافل‌گیری خواننده واژه می‌شود. وقتی واژه در معنایی تازه به کار می‌رود حیثیت و ارزش تازه‌ای نیز کسب می‌کند، این گونه است که سخنور می‌تواند همواره قلمرو ادبیات را به وسیله فضای مجازی استعاره گسترش دهد و مفاهیم و مضامین تازه را به کمک تصاویر تازه به مخاطبان خود منتقل کند (مشهدی، رضایی، اتحادی، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

ژان پل نیز استعاره را شکل آغازین ساخت واحدهای زبان می‌داند که به تدریج به واژه‌های واقعی رنگ باخته‌اند. از دیدگاه او هر زبان با توجه به روابط معنوی، واژگانی از استعاره‌های رنگ باخته است، دیگر سخن واژه‌هایی که اکنون معنای زبانی دارند؛ زمانی کاربرد و معنای استعاری داشته‌اند و خاستگاه آنها واکنش آغازین روان در برابر واقعیت‌ها است که به روز

زبانی یافته است. (فضیلت، ۱۳۹۰: ۹۳) استعاره را می‌توان کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی خیال‌انگیز در کلام خواند (فضیلت، ۱۳۹۰: ۶۹).

گاهی استعاره را برابر با همه تصوی‌های خیال دانسته‌اند و تعریف شعر، جامع استعاره و وزن دانسته شده است. برای کسانی که به پژوهش درباره ادبیات پرداخته‌اند، فرآیند استعاره از دیرباز شناخته شده و اهمیت آن معلوم بوده است اما جالب این است که این فرآیند به تدریج و در طول زمان از حوزه مطالعة ادبیات خارج شده و در حال حاضر نظر گروه وسیعی از زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است تا این فرآیند را در زبان خودکار یعنی همان زبان روزمره نیز مورد بررسی قرار دهند (فضیلت، ۱۳۹۰: ۷۰).

سپهری از میان شاعران و نکته‌سنگان معاصر از معدودترین آنهاست. وی دستگاه فکری و معنایی مختص خود را دارد و توانسته است با طبیعت‌گرایی و احساس‌های بکر بشری فرمی را در زبان خود شکل دهد که به یک طبیعت آرام، سرشار از ظرافت و زیبایی و در عین حال ریزه‌کاری شبیه است. شعر سپهر را می‌توان دید، در مورد آن حرف زد، واکاوی نمود و نقد کرد. باری شناساندن ابعاد و آفاق بلاغت شعر سپهری از منظر استعاره و گسترده تفکر خلاق ادبی‌اش گام و مقصود اساسی این رساله است تا بگوید چگونه با تلفیق عنصری متافیزیکی و ماورایی با عنصری ملموس و فیزیکی، شاعر توانسته استعاره‌هایی بیافریند که بخش عمده و هسته مرکزی از قدرت و خلاقیت شاعری و شعر او در همین تازگی و نو بودن این نوع ساخت و ابداع است و حتی می‌توان پیشگامان و الگوهای سپهری در آفرینش این تصاویر استعاری را در ادب فارسی جست و مشخص و بیان کرد که آفرینش تصاویر انتزاعی و استعاری سبک هندی، بسترهای زیادی را برای قوه تصویر آفرینی سپهری هموار کرده است.

پیشینه نظری و تجربی

درباره صورخیال در شعر شاعران مختلف، منابع متعدد و متناهی وجود دارد و حتی موضوع «صور خیال در شعر سپهری» را هم تحقیق کرده‌اند که همه آن منابع در تدوین و عناصر کیفی این مقاله، مفید و موثر خواهد بود. درباره پیشینه تحقیق، می‌توان به منابع عمده «صورخیال در شعر فارسی» اثر دکتر شفیع کدکنی، «نگاهی به سپهری» از دکتر سیروس شمیسا، و دیگر کتبی که در زمینه بلاغت و نقد ادبی نوشته شده‌اند، مانند: «بلاغت تصویر، فلسفه بلاغت، سبک‌شناسی شعر، بلاغت فارسی، معانی بیان، زیباشناسی سخن پارسی» اشاره کرد. در مورد مبحث استعاره نیز «عیار استعاره، سیر استعاره در شعر امروز» را می‌توان نام برد که از آن‌ها می‌توان در این مقاله سود برد. پایان‌نامه علی ناصری گیلانده با عنوان «صور خیال در شعر سپهر

سپهری» و مقاله «مؤلفه‌های زبانی و بلاغی سبک ساز در حجم سبز سپهری»، چاپ شده در مطالعات زبانی و بلاغی، ازدکتر شیرزاد طایفی و لیلا کمالخانی از دیگر منابع این تحقیق هستند در آن‌ها، با ذکر مصادیق و شواهد، نویسندگان محترم در پی آن بوده‌اند که تمهیدات بلاغی منجر به سبک فردی آفرین در شعر سپهری را تبیین و تحلیل کنند (طایفی و کمالخانی، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۱۷). دو منبع «از مصاحبت آفتاب» و «گل‌های نیایش» که هر دو در مورد زندگی، شعر و نقد شعر سهراب سپهری هستند نیز توانسته‌اند موثر واقع شوند که در حد امکان و لزوم به آنها استناد و ارجاع شده است. علاوه بر منابع یاد شده، منابع متعدد تک نگاری خاصی که در دیوان شاعران مختلف، چون نظامی، خاقانی، نیمیوشیچ و... نیز از منابع سودمند خواهند بود. از نویسندگان غیر ایرانی هم که ترجمه آثار آنها می‌تواند در نگاشت این مقاله سودمند باشند می‌توان «اسرار بلاغه» عبدالقاهر جرجانی و «استعاره» اثر ترنس هاوکس را نام برد.

نقش‌ها و کارکردهای استعاره

کتاب‌های بلاغت نقش‌های استعاره را این گونه بر شمرده‌اند: شرح و توضیح معنا - تقویت بیان معنا - تأکید بر معنا - مبالغه در معنا - گسترش معنا - ایجاز و فشرده‌سازی - نوسازی بیان - ادای معنای واحد به صورت‌های مختلف.

در غرب نیز نویسنده‌ای ناشناس در رساله‌ای به نام *Rhetorica ad Herennium* مربوط به سال ۸۶ قبل از میلاد، شش کاربرد برای استعاره برشمرده است: ۱- برای وضوح ۲- برای ایجاز ۳- برای پرهیز از رکاکت ۴- برای بزرگنمایی ۵- برای کوچک نمایی ۶- برای تزئین (هاوکس، ۱۳۷۷: ۲۹-۲۸).

درباره تقسیم‌بندی قدما از استعاره، چون مصرحه مکینه و... پرهیز می‌شود و به یک نوع بدیع اشاره می‌گردد:

استعاره از حیث درجات و مراتب هنری

۱- قریب: آن است که پیوند میان مستعارله و مستعارمنه آشکارتر باشد و مخاطب با اندکی تأمل، جامع و ربط بین دو طرف استعاره را دریابد.

که به آن استعاره تکراری و مبتذل و زود فهم نیز می‌گویند استعاره‌ای که کم کم به زبان روزمره راه می‌یابد مانند؛ بت که استعاره از معشوق است اما گاهی به معنی زبانی معشوق نیز به کار می‌رود.

۲- بعید: خیال‌انگیز و هنری است و به جهت نو و بدیع بودن تصویر و زاویه دید بازتر در جامع، پیوند بین دو طرف با تأمل و وقت زیاد قابل دریافت است. این استعاره حاصل ذهن خلاق و هنرمندانه است.

تحلیل ادبی و بلاغی

تحلیل ادبی یک اثر ادبی را تقریباً می‌توان همان نقد در نظر گرفت، همان نقد ادبی که از آن می‌توان به سخن سنجی و سخن‌شناسی نیز تعبیر کرد و می‌توان گفت: عبارت است از شناخت ارزش و بهای آثار ادبی و شرح و تفسیر آن به نحوی که معلوم شود نیک و بد آن چیست؟ و منشا آن‌ها کدام است؟ (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۵).

بنابر تعریف کادِن نقد ادبی، فن یا علمی است که به مقایسه، تجزیه و تحلیل، شرح و تفسیر و سنجش آثار ادبی اختصاص دارد. البته شاید بهترین راه در تحلیل آثار ادبی، نگرشی التقاطی با استفاده از روش‌ها و آرای رویکردهای مختلف نقد باشد (شایگان فر، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۵).

تحلیل بلاغی فراکاوی زیباشناختی یک اثر است. کندوکاو سخن یا عناصر سخنی که از حد سخنان عادی برتر و والاتر بوده است و مردم از خواندن و شنیدن آن دگرگونه شده‌اند و احساس غم و شادی یا لذت و الم کرده‌اند.

شکوه‌مندی یک اثر یا سبک که به تحلیل بلاغی آن می‌انجامد پنج منشا دارد: اندیشه‌های متعال، شور و هیجان شدید، صور بلاغی، طرز بیان که مشتمل است بر گزینش درست کلمات و به کارگیری استعاره و بالأخره سبک شایسته که انتظام کلمات، وزن و تالیم حرف را شامل می‌شود. اگر کار هنرمند پدید آوردن هیجان و جذبه و تعالی خیال است وظیفه منتقد یا تحلیل‌گر آن است که نشان دهد این شکوه‌مندی چگونه حاصل می‌شود (علایی، ۱۳۹۰: ۲۴۳ و ۲۹۳).

تحلیل استعاره در شعر سپهری

سپهری شبیه هیچ شاعری نیست نه شاعران هم روزگار خود و نه شاعران عارفی که پیش از او شاعری کرده‌اند و عوالم عرفانی خود را بازگفته‌اند (جلیلی، ۱۳۸۷: ۲۶۰ - ۲۶۱). شعر وی صمیمی، سرشار از تصاویر بکر و تازه است که همراه با زبانی نرم، لطیف، پاکیزه و در عین حال منسجم است. شعر او شیفته طبیعت، زیبایی، نیکی و نیک‌خواهی است (یعقوب‌شاهی، ۱۳۷۷: ۱۹۸). شعرش پر از تصویرها و رنگ‌هاست (آشوری، امامی، معصومی، ۱۳۷۱: ۱۹). سخن گفتن از شعر سهل و ممتنع سهراب سپهری بسیار دشوار است بیشتر از این جهت که شعر او رستاخیز آشکار واژه‌های ساده‌ای است که در گستره زبان دیری است به خواب رفته‌اند و این نکته را

ذهن‌های دیر آشنا، سخت‌گیر و فرو رفته در غرقاب لفظ، البته به راحتی برنمی‌تابند، شناخت شعر سپهری و شناسانیدن آن، مطابق آنچه پس از مرگ شاعر در دهه‌ی ۱۳۶۰ مرسوم شد در درجه‌ی نخست نیاز به همدلی و هم‌نوایی با او دارد (عابدی، ۱۳۸۴: ۶۱). از بین صور خیالی که در شعرش به کار برده، استعاره از ترفندهای شاعرانه‌ی سهراب سپهری است. استعاره‌های سپهری همه، تصاویر تفکر و باور اوست و محمل نوعی از زیباشناسی است که ویژه‌ی خود وی است. سهراب سپهری شاعری است که درباره‌ی او بسیار نوشته و گفته‌اند. عده‌ای چنان از او تمجید و تمذیح کرده‌اند که گویی سهراب در قله‌ی شعر معاصر قرار دارد و هیچ شاعر دیگری به پای او نمی‌رسد (ضرابیها، ۱۳۸۴: ۱).

سپهری شاعری است عارف مشرب و طبیعت‌گرای معاصر، شعرش و صورخیال آن نیز متأثر از این ویژگیست. شعر او رنگارنگ است و خواننده را به افق‌های تازه می‌کشاند، به علاوه این نظرگاه خاص به مدد قریحه‌ی تصویرسازی، آثار وی را از صور خیال و تعبیرات بدیع سرشار کرده است. ممکن است برخی از آن‌ها برای بعضی از خوانندگان نامأنوس باشد اما بر اثر تأمل، کم‌کم آشنایی حاصل خواهد شد و نیز خوشایند خواهد نمود (یوسفی، ۱۳۷۳: ۵۵۹).

می‌توان سهراب سپهری را یکی از موفق‌ترین شاعران معاصر قلمداد کرد. زبان شعری سهراب زبانی است تصویری (استعاری)، به این معنی که به جای سخن گفتن (ادای جملات خبری) نقاشی می‌کند و به جای ارجاع و اشاره‌ی مستقیم، مجسم می‌کند.

انواع استعاره در حجم سبز

۱- مصرّحه: ۱۸۳ مورد و ۶۲ درصد

راه‌گذاری خواهد گفت: راستی را، شب تاریکی است

که‌کشانی خواهم دادش (و پیامی در راه)

که‌کشان: استعاره‌ی مصرّحه از نور و روشنایی

یاد من باشد کاری نکنم که به قانون زمین برخورد. (غربت)

زمین استعاره از طبیعت

۲- مکنیه یا بالکنایه یا تخیلیه: ۱۱۰ مورد و ۳۸ درصد

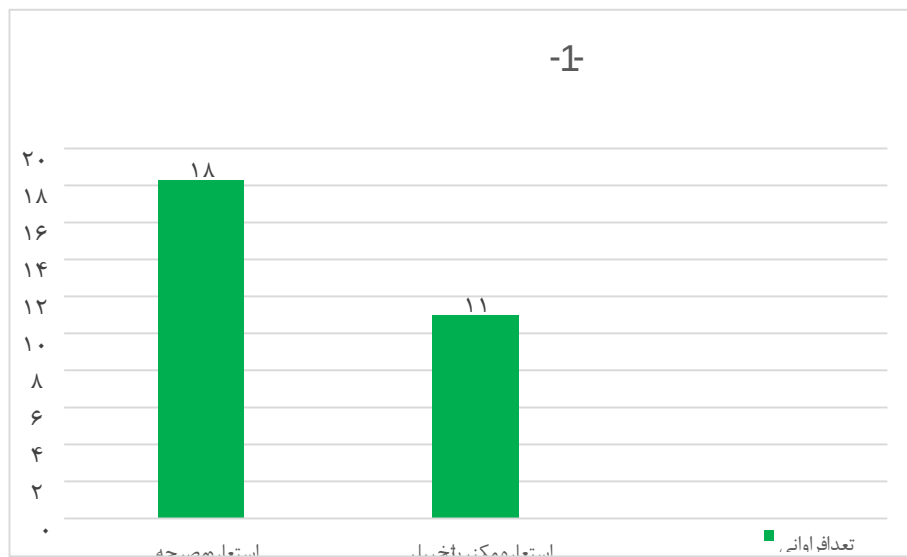
کوچه‌باغی است که از خواب خدا سبزتر است

و در آن عشق به اندازه‌ی صدای آبی است. (نشانی)

صدافت به پرنده تشبیه شده است و دارای پر و بال است.

پشت تبریزی‌ها

غفلت پاکی بود که صدایم می‌زد. (در گلستانه)
 غفلت مانند انسانی در نظر گرفته شده است که می‌تواند صدا بزند.



نمودار ۱: نمودار فراوانی انواع استعاره



نمودار ۲: نمودار درصدی انواع استعاره

تحلیل استعاره مصرّحه بر اساس ذکر ملایمات و سازگارهای طرفین

۱-۱- استعاره مصرّحه مجرّده: ۷ مورد و ۴ درصد

روی پل دخترکی بی‌پاست دب اکبر را برگردن او خواهم آویخت. (و پیامی در راه)
دب اکبر استعاره مصرّحه مجرّده از گردن بند است از ملایمات مشبه یعنی گردن‌بند، گردن و آویختن ذکر شده است.

و زمان روی ستون فقرات گل یاس (جنش واژه زیست)
ستون فقرات استعاره از ساقه است و گل یاس از سازگارهای ساقه (مستعارله) یا مشبه است که بیان شده است.

۱-۲- استعاره مصرّحه مرشّحه: ۱۸ مورد و ۱۰ درصد

راه‌گذاری خواهد گفت: راستی را شب تاریکی است / کهکشان‌های خواهم دادش. (و پیامی در راه)
کهکشان استعاره از نور و روشنایی، شب از ملایمات و سازگارهای مشبه‌به یعنی کهکشان است. و طلوع سرغوک از افق درک حیات. (پره‌های زمزمه)

طلوع استعاره از دیده شدن و نمایان شدن
طلوع به همراه یکی از سازگارهای خود (افق) آمده است.

۱-۳- استعاره مصرّحه مطلقه: ۱۵۹ مورد و ۸۶ درصد

اگر کاشف معدن صبح آمد

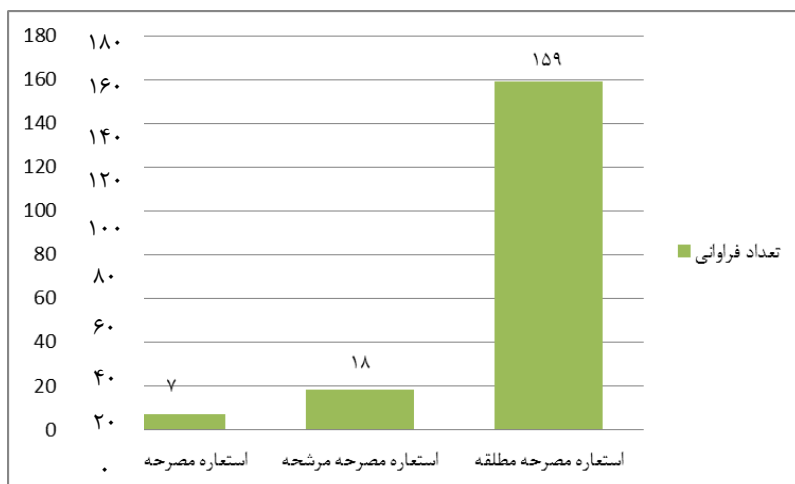
صدا کن مرا (به باغ همسفران)

کاشف معدن صبح استعاره مطلقه از خورشید است

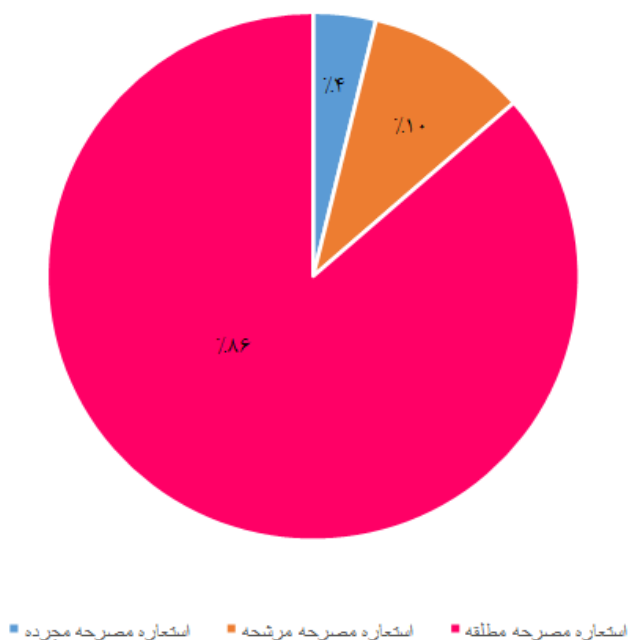
در آن گیرو داری که چرخ زره پوش از روی رویای کودک گذر داشت

قناری نخ زرد آواز خود را به پای چه احساس آرامشی بست. (به باغ همسفران)

چرخ زره پوش استعاره مطلقه از روزگار است.



نمودار ۳: نمودار فراوانی انواع استعاره مصرحه براساس ذکر ملایمات و ساز' - - طرفین



نمودار ۴: نمودار درصدی انواع استعاره مصرحه براساس ذکر ملایمات و سازگاری‌های طرفین

انواع استعاره از نظر استعمال

۱- تبعیه: ۱۲ مورد و ۶ درصد

روی این مهتابی، خشت غربت را می‌بویم. (غربت)

بوییدن، استعاره تبعیه از احساس کردن است.

فکر می‌کردم

در حضور شمعدانی‌ها شقاوت آب خواهد شد. (ورق روشن وقت) آب شدن استعاره تبعیه از

شرمنده شدن است.

فورگراندینگ یا برجسته‌سازی در فعل

حزن مرا در مصب دور عبارت صاف کن. (همیشه)

کاربرد فعل «صاف کن» برای «حزن» بدیع و شگفت‌انگیز است و باعث برجسته‌سازی شده است.

فرصت ما زیر ابرهای مناسب

مثل تن گیج یک کبوترناگاه

حجم خوشی داشت. (تا نبض خیس صبح)

حجم داشتن برای فرصت عجیب و غیرمنتظره است و سهراب سپهری در این جملات

فورگراندینگ به کار برده است.

۲- تمثیلیه یا مرکب: ۷۸ مورد و ۴۳ درصد.

زن زیبایی آمد لب رود

آب را گل نکنیم

روی زیبا دو برابر شده است. (آب)

روی زیبا دو برابر شده است استعاره مرکب از انعکاس تصویر صورت در آب.

و بیا تا جایی که پرمایه به انگشت تو هشدار دهد

و زمان روی کلوخی بنشیند با تو (شب تنهایی خوب)

زمان روی کلوخی بنشیند با تو استعاره مرکب از توقف زمان است.

۳- اصلیه: که استعاره در اسم‌هاست ۹۳ مورد و ۵۱ درصد

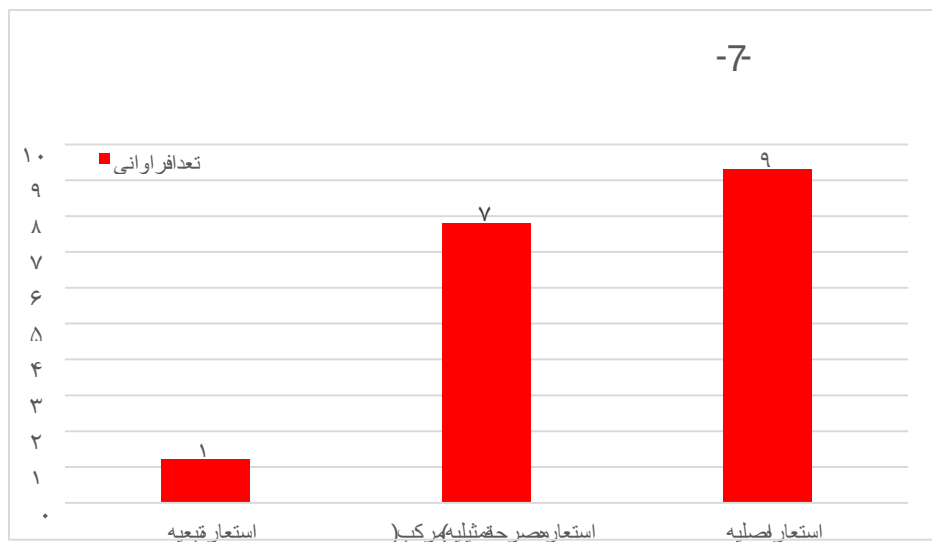
کور را خواهم گفت: چه تماشا دارد باغ. (و پیامی در راه)

کور استعاره اصلیه از انسان محروم است.

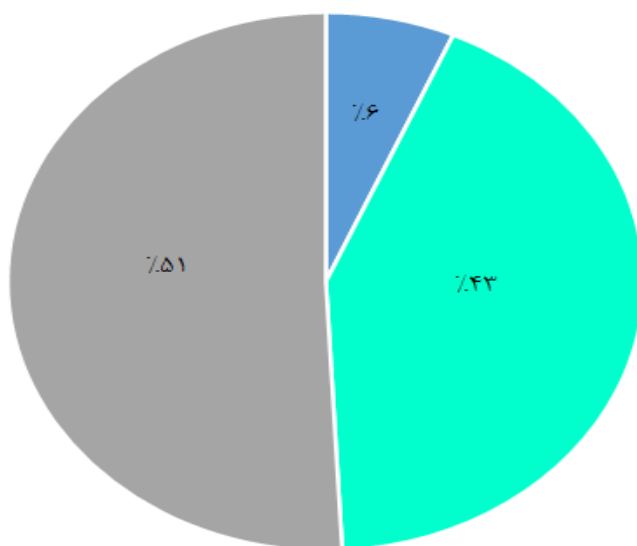
تو اگر در تپش باغ خدا را دیدی، همت کن و بگو، ماهی‌ها، حوضشان بی‌آب است. (پیغام

ماهی‌ها) ماهی استعاره از انسان سالک است.

-7-



نمودار ۵: نمودار فراوانی انواع استعاره مصرحه براساس استعمال آن



■ استعاره اصلی ■ استعاره مصرحه تمثیلیه مرکب ■ استعاره نتیجه

نمودار ۶: نمودار درصدی انواع استعاره مصرحه براساس استعمال آن

انواع استعاره مکنیه یا بالکنایه یا تخیلیّه

این استعاره بر دو نوع است:

۱- مکنیه: ۴۶ مورد و ۴۲ درصد

و دست‌هاش

هوای صاف سخاوت را

ورق می‌زد. (دوست)

هوا به کتاب یا دفتری مانند شده که می‌توان آن را ورق زد.

مردی از من پرسید / تا طلوع انگور، چند ساعت راه است؟ (ندای آغاز)

انگور به خورشید تشبیه شده که طلوع می‌کند.

۲- انسانوارگی: ۶۴ مورد و ۵۸ درصد

«خانهٔ دوست کجاست؟» در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکثی کرد. (نشانی)

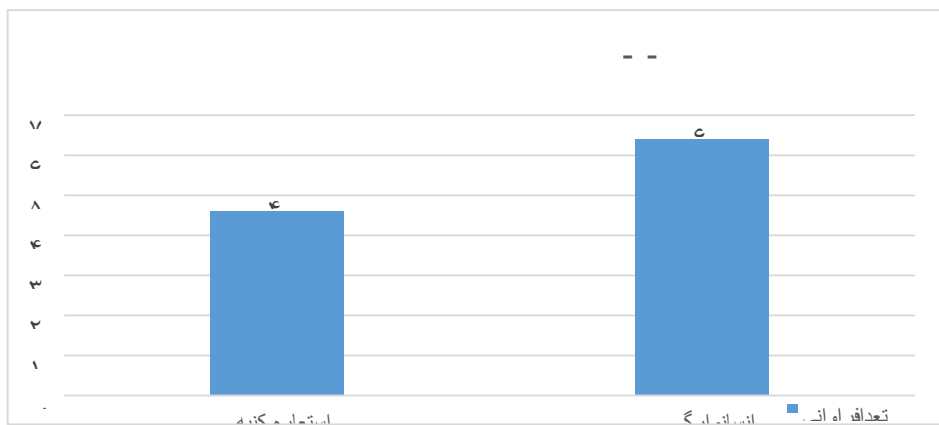
آسمان به انسانی تشبیه شده است که مکث می‌کند.

ما گروه عاشقان بودیم و راه ما

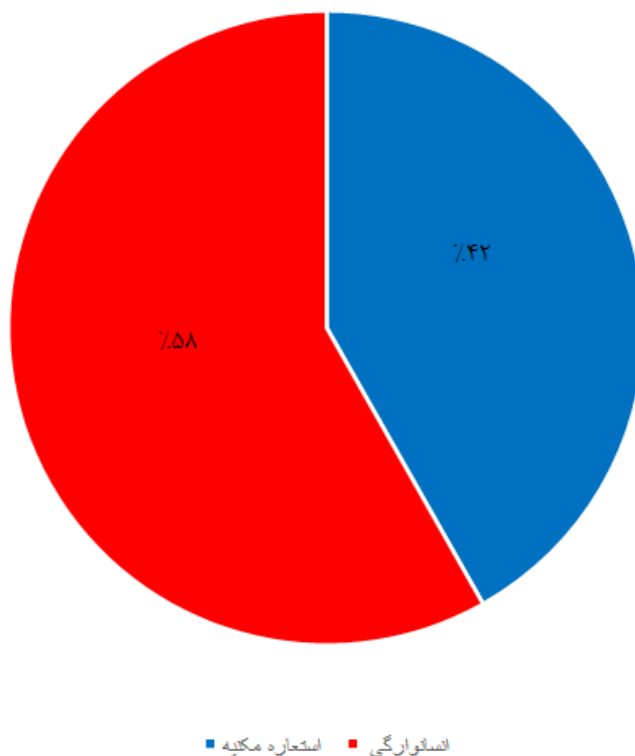
از کنار قریه‌های آشنا با فقر

تا صفای بیکران می‌رفت. (تپش سایهٔ دوست)

قریه به انسانی تشبیه شده که با فقر آشنایی دارد.



نمودار ۷: نمودار فراوانی انواع استعاره مکنیه



نمودار ۸: نمودار درصدی انواع استعاره مکنیه

انواع استعاره از حیث درجات و مراتب هنری

۱- قریب: ۱۱۶ مورد و ۶۳ درصد

ولی آن نور درشت

عکس آن میخک قرمز در آب

که اگر باد می‌آمد دل او، پشت چین‌های تغافل می‌زد. (پیغام ماهی‌ها)

نور درشت و میخک قرمز استعاره قریب از خورشید است.

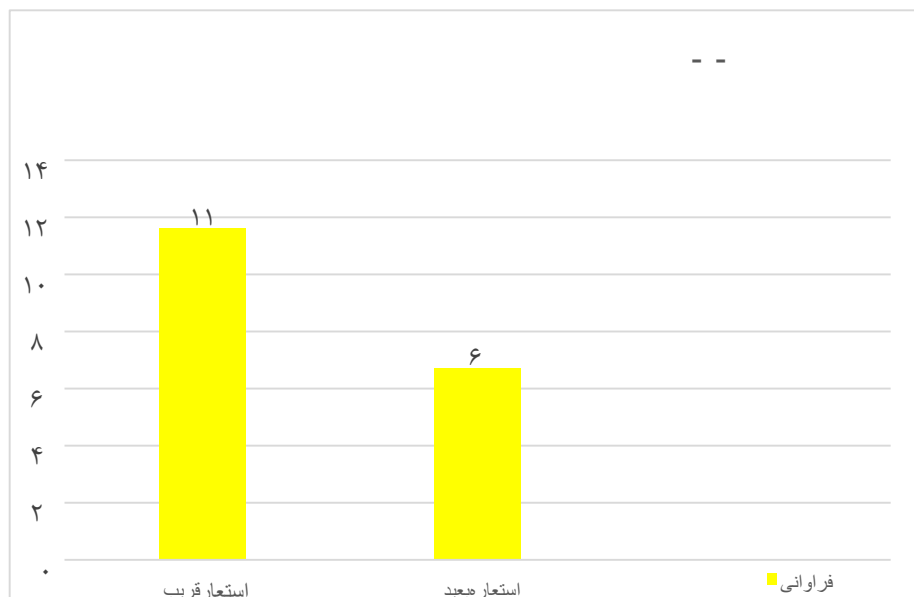
هر که با مرغ هوا دوست شود

خوابش آرام‌ترین خواب جهان خواهد بود. (سوره تماشا)

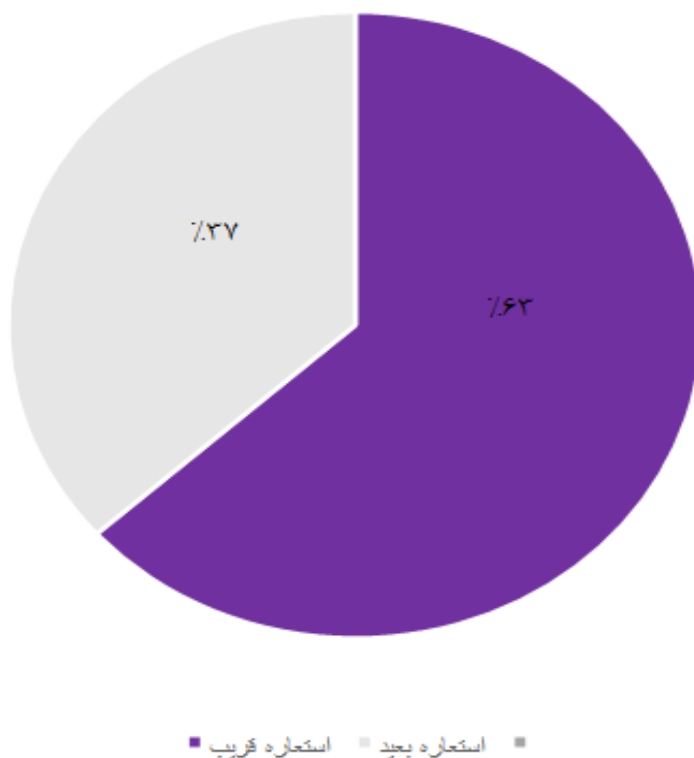
خواب استعاره قریب از غفلت و بی‌خبری است.

۲- بعید: ۶۷ ورد و ۳۷ درصد

نور خواهیم خورد. (و پیامی در راه)
 نور استعارهٔ بعید از معنویت و معرفت و آگاهی که استعاره‌ای دور از ذهن است و برای فهم آن
 باید تلاش ذهنی کرد.
 مرا خواب کن زیر یک شاخه دور از شب اصطکاک فلزات. (به باغ همسفران)
 اصطکاک فلزات استعارهٔ بعید از صنعت و تکنولوژی می‌باشد و فهم آن نیازمند تأمل و دقت
 بسیار است.



نمودار ۹: نمودار فراوانی انواع استعاره مصرحه از حیث درجات و مراتب هنری



نمودار ۱۰: نمودار درصدی انواع استعاره مصرحه از حیث درجات و مراتب هنری

شرح تحلیل استعاره در شعر سپهری

تغییر سبک، یعنی تغییر نگرش شاعران به جهان که لزوماً در محمل زبانی تازه رخ می‌دهد و این معنا عمده‌تاً در محدوده صورخیال مخصوصاً تشبیه و استعاره متجلی می‌شود؛ به این معنی که وجه شبه‌ها که مساوق همان نگرش‌های شاعرانه است رنگ و بوی نوینی یافته و اثر هنری را از آثار قبلی متمایز می‌کند (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۸۵).

همانگونه که در اشعار سپهری ملاحظه می‌شود گرایش او به استعاره بیشتر است. در شعر سپهری هیچ کدام از تشبیهات و استعارات کهنه نیست و در ادبیات فارسی سابقه و نظیری ندارد؛ مخصوصاً از نظر اینکه عواطف جدیدی را با تشبیه، محسوس و قابل درک کرده بسیار مهم است، مثلاً؛ انس را به سفالینه و تنهایی را به چینی تشبیه کرده تا لطافت و شکنندگی آنها را برجسته کند و همچنین به کمک استعاره به اشیا و پدیده‌های دور و بر خود اسامی جدیدی نهاده و مثلاً خورشید را «کاشف معدن صبح» خوانده است (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۸۶).

سپهری در استعارات، چون تشبیهاتش تمایل به خلاقیت هنری و نوآوری داشته، او با نوآوری در استعاره، آن را غنا می‌بخشد و با به‌کارگیری واژه‌ای آشنا در بعدی تازه در قالب ساختارهای استعاره‌اش، معناهای جدیدی به آن واژه می‌دهد. سپهری دریافته است که کاربرد ویژه این استعارات تازه، می‌تواند ابهام یا پارادوکس قابل توجهی — که از ویژگی‌های بارز شعر خوب به شمار می‌آید — در شعر به وجود بیاورد. او در این ابداع و خلاقیت، چنان بینش هنرمندانه نشان داده که مخاطب در اکثر استعاره‌ها و روانش در زیبایی آرام می‌گیرد و در عمق شعرش غوطه می‌خورد و گام‌به‌گام همراه با خود او، نوعی سلوک عارفانه و سفری خیال‌انگیز را پشت سر می‌گذارد.

بالا بودن بسامد تصاویر انتزاعی و استعاره‌ای در شعر سپهراب، برگرفته از تجارب عرفانی و سیر سلوک دینی است. استعاره‌هایش رنگ و بوی عرفان و معنویت دارند. مسلک عرفان شرقی او نمودی ویژه در شعرش دارد، استعاره‌ها در ترکیب با عرفان گاهی چنان زیبا و شفاف هستند که بدون گذر از صافی تعقل پیام خود را منتقل می‌کنند و گاهی چنان از خلاقیت او سرچشمه می‌گیرند که خواننده را به حیرت و چالش بسیار وامی‌دارد. می‌توان گفت در نگاه اول استعاره‌هایش ساده و صمیمی است، به طوری که بعضی این صمیمیت را گاهی تعمدی و ساده‌لوحانه می‌دانند. (براهنی، ۱۳۸۰: ۲۸۳). اما در عمق استعاره‌ها معانی و مفاهیم پیچیده‌ای نهفته است و شاید به زحمت بتوان معانی را به واقعیت‌های ذهنی تطبیق داد. (مرادی، ۱۳۸۰: ۲۸۲) و این پارادوکس پیچیدگی و سادگی نه تعمدی است و نه ساده‌لوحانه بلکه از درون شاعر می‌جوشد و در دنیای شعر و شاعرانگی‌اش جاری می‌شود.

او با برقراری ارتباط میان دنیای خارجی ملموس با دنیای درونی، تخیلات کلام شاعرانه خود را در بستره ناگفته‌ها قرار می‌دهد و تصویر در کلام او جان می‌گیرد. آنچه که به تصویر آفرینی او و جان گرفتن سخنش یاری می‌رساند صور خیال و بلاغت است که در استعاره‌هایش جلوه خاصی دارد و در شعرش نمونه‌های زیادی از استعاره را می‌توان یافت.

با توجه به طبقه‌بندی انواع استعاره، از هر دو نوع استعاره یعنی مصرحه و مکنیه به میزان قابل توجهی در شعرش دیده می‌شود. قسمت اعظم استعاره‌های سپهراب در اشعارش، در این مجموعه، استعاره مصرحه است و استعاره‌های مصرحه‌اش بیشتر از نوع مطلقه (آزاد و رها) هستند، درست مثل اندیشه‌اش. استعاره‌های مصرحه سپهراب راهی نورانی و پاک را طی می‌کند و معنویت خاصی را به مخاطب تلقین می‌نماید.

سپهراب استعاره اصلیّه (اسم) و استعاره مرکب (جمله) را بیشتر از دیگر انواع استعاره بر حسب استعمال آن به کار گرفته، البته استعاره اصلیّه استعاره‌هایش فراگیرتر است. استعاره‌های مرکب

سهراب روح هنری مخاطب را صیقل می‌دهد من زیباترین و خلاقانه‌ترین جملات را در استعاره‌های مرکب و تمثیلیه سهراب خواندم و این بیانگر همان تأثیر شگرفی است که هنر سپهری روی مخاطب دارد. در قسمت بررسی شده از شعر سهراب در این پژوهش استعاره فعل یا تبعیه در کل در شعر سپهری کاربردی بسیار برجسته دارد و در شعریت شعر و به تبع آن بر مخاطب تأثیری بسیار می‌گذارد. این گونه استعاره از چنان سطح عاطفی عمیق برخوردار است که عواطف خواننده را تا مدت زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۳۳۰) و با تصاویر خیالی که استعاره‌های تبعیه‌اش در ذهن مخاطب منعکس می‌کند انسان از نو می‌شکفت.

دنیای شعر سپهری با دنیای اساطیری پیوند می‌خورد، به این دلیل که تصاویر در شعر سپهری در هم مستحیل می‌شوند و به سبب آن یگانه می‌گردند و در مسیر استعاره می‌افتند و می‌توان گفت که نقش استعاره‌های تأویل پذیر به خود می‌گیرند.

بسامد واژه‌های «نور»، «خواب» و «آب» بیشتر است به گونه‌ای که تا ۴ بار یا بیش‌تر هم تکرار شده‌اند در اکثر موارد، نور استعاره از معرفت و آگاهی، خواب استعاره از آرامش یا غفلت و آب استعاره از زلالی و پاکی و روشنی است.

در رگ‌ها نور خواهم ریخت. (و پیامی در راه)

نور خواهم خورد. (و پیامی در راه)

خوابش آرام‌ترین خواب جهان خواهد بود.

و صدا در خواهم داد

ای سبدهاتان پر خواب. (و پیامی در راه)

آب را گل نکنیم. (آب) مردمان سر رود آب را می‌فهند. (آب)

خاک، کهکشان، سیب، ماهی، دوست، انگور، طلوع، کور (انسان کور) بیشترین کلماتی هستند که سهراب به وسیله آنها بهترین استعارات را خلق کرده است.

کلمه خورشید نیز بیشتر از واژه‌های دیگر هدف استعاره است. مشبهه‌هایی که به برای «خورشید» آورده شده زیاد و زیبا و جالب هستند. سهراب ترکیبات لطیفی به کار می‌برد؛ «میخک قرمز، نور درشت، کاشف معدن صبح» که همه استعاره از خورشید هستند.

خیال‌انگیزی در شعر سپهری در اوج است. سپهری چنان شعری دارد، انگار که همه چیز زنده است، گویی کلمات نفس می‌کشند. استعاره‌های مکینه به ویژه تشخیص و انسان‌وارگی‌هایش که اکثراً به صورت اضافی استعمال یافته عاطفه و احساس دارند. گویی با مخاطب سخن می‌گویند. و زندگی‌شان پایه‌پای مخاطب جریان دارد.

جیب‌هایش، صدای جیک‌جیک صبح‌های کودکی می‌داد. (تپس سایه دوست)

خاک موسیقی احساس تو را می‌شنود. (تپس سایه دوست)
 تشبیه اشیاء، طبیعت و... به انسان در شعر سپهری بیشتر از استعاره مکنیه آشکار می‌شود و اساس اکثر استعاره‌های مکنیه‌اش بر انسانوارگی استوار است.
 استعاره‌های سهراب قریب و آشنا هستند و به راحتی برای مخاطب قابل درک و فهمند. با اینکه در میان استعاره‌ها، استعاره‌های بعید کم‌شمار نیست اما بیشتر استعاره‌های سهراب از لحاظ مرتبه و درجه هنری قریب هستند.

برجسته‌سازی یا فورآگراندینگ، در بلاغت غریبان و تعریف اعراض از هنجارهای زبان عادی به شیوه‌ای هنری است. چرا هنری؟ زیرا هر عدول از زبان عادی، فورآگراندینگ نیست و همیشه کلام ادبی با عدول همراه نیست. هالیدی، زبان شناس معروف، در تعریف فورآگراندینگ می‌گوید: برجستگی است که موثر باشد، خواننده را تکان دهد و تأمل او را برانگیزد. (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۶۱).
 هر تصویر، یا صورت خیالی حتی اگر هنجارهای عادی زبان را هم شکسته باشد در حوزه فورآگراندینگ قرار نمی‌گیرد اما اگر شعر سپهری را بخوانیم فورآگراندینگ در استعاره‌های تبعیه‌اش جلوه‌گری ویژه‌ای دارد.

سپهری اساس کاربرد استعاره‌های خود را بر پایه برجسته‌سازی استوار کرده است، جادوی استعاره در شعر سپهری و شاملو که در نتیجه هنجارگریزی معنایی منجر به برجسته‌سازی هنری شده است به طور عمده در دو محور اصلی استعاره در فعل، تشخیص و جاندارانگاری، بیشتر اتفاق افتاده است (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۳۲۰).

استعاره‌های سپهری یکسره بیان شاعرانه و زیبایی نظام همگن اندیشه‌های اوست. استعاره در شعر سپهری وجهی از کلیت وجود و معنای شعر اوست؛ از این روست که حتی پیچیده‌ترین استعاره‌ها و بیان‌های استعاری‌اش به سرعت با خواننده ارتباط می‌یابد، خواننده را به فضای شعر می‌کشاند و «خیال» سپهری را آن چنان واقعی جلوه می‌دهد که گویی آن جهان خیالی در کنار ما و در دل ماست. استعاره‌های سپهری آن چنان زیبا و روشن هستند که هیچ ابهامی را بر نمی‌تابند و مجموعه‌ای از تصاویر پیاپی و لطیفند. باری، بررسی همه صور خیال در شعر سپهری به ویژه کاربرد استعاره و انواع آن به مجالی بلندتر نیازمند است.

نتیجه‌گیری

شعر سپهری، عمق و ژرفایی دارد که با شعر دیگر شاعران نوپرداز متفاوت است او برخلاف بزرگان شعر نو، میدان تصویرسازی خود را از سیاست و اجتماع به درون و حال فردی خود برگردانده است. دنیای سراسر تصویر و نقاشی فراواقعی (سوررئالیسم) در شعر او، پیش از هر

امری، در استعاره‌پردازی او جلوه‌گری می‌کند. شعر سپهری، اساساً متکی بر تصویر و ایماژ و بالأخص استعاره است و نوآوری او در این حیطة، واضح و بدیهی است. استعاره‌های سپهری، سرچشمه‌های عرفانی دارند و سراپا دعوت به امید و سفر هستند و در آنها سخن از نور و زلالی و پاکی و سرسبزی و آگاهی است که در نهایت به دنیای روشن و شادی او می‌پیوندند. او در حیطة تشخیص از زیر مجموعه‌های استعاره، عناصر بی‌جان فراوان را جان بخشیده است که هر کدام به زبانی از زندگی خود در شعر و طبیعت سخن می‌گویند؛ و به همین دلیل جلوه‌زیبای دیگری از استعاره یعنی پارادوکس در شعر او ظاهر می‌گردد. اگر هر شاعری در عمر خود و در حیات تاریخ ادبیات و فرهنگ برای خود، شگرد و تکنیک بیانی خاصی داشته باشد، شگرد بلاغی و صور خیال برجسته و خاص در شعر سپهری استعاره است و این نوشتار با استخراج، توصیف و مقایسه آماری به تحلیل آنها می‌پردازد. باید در نظر داشت که استعاره‌های سپهری - لاقبل در حجم سبز- همه تجرید و انتزاع و امر غیر واقعی نیستند؛ بلکه ملاحظت و ظرافت خاصی در استعاره‌سازی و استعاره‌پردازی او موج می‌زند که می‌توان تحلیل و کاربرد آن را در پژوهش حاضر دید و خواند.

به‌طور کلی استعاره‌های سپهری کوششی است برای بیان افق‌های تازه به گونه‌ای که برای مخاطب ملموس باشد و از عمق وجود و شاعرانگی او سرچشمه می‌گیرد و لاجرم بر دل‌ها می‌نشیند. مهم این است که سپهری شاعری صاحب نام در شعر معاصر و هنرمندی است که خود را با «رنگ» و با «کلمه» بیان می‌کند. مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با هر دو نقاشی می‌کرد (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۴: ۴۰۳).

پی نوشت

[۱] منظور از قرینه صارفه، نشانه‌ای است که با وجود آن مخاطب از دریافت معنی حقیقی یا زبانی منصرف و متوجه معنی مجازی و هنری می‌شود.

منابع

- قرآن کریم

- امین، حسن. (۱۳۸۴). **ادبیات معاصر ایران**. چاپ اول. تهران: دایرةالمعارف ایران‌شناسی.

- آشوری، داریوش و امامی، کریم و معصوم همدانی، حسین. (۱۳۷۱). **پیامی در راه**. تهران: طهوری.

- براهنی، رضا. (۱۳۸۰). **طلا در مس**. تهران: زریاب.

- تجلیل، جلیل. (۱۳۶۵). **معانی و بیان**. چاپ سوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- تفتازانی، سعدالدین مسعود. (۱۳۷۶). **مختصر المعانی**. قم: انتشارات مصطفوی.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۸۹). **اسرار البلاغه**. ترجمه جلیل تجلیل. چاپ پنجم. تهران: دانشگاه تهران.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۶). **دلائل الاعجاز**. تصحیح: السید محمد رشید رضا. القاهره: مطبعة المفار.
- جلیلی، فروغ. (۱۳۸۷). **آیینهای بی طرح**. چاپ اول. تبریز: آیدین.
- حسینی، حسن. (۱۳۷۱). **بیدل، سپهری و سبک هندی**. چاپ اول. تهران: سروش.
- حسینی، صالح. (۱۳۷۵). **گل‌های نیایش (شعر و نقد سهراب سپهری)**. تهران: نیلوفر.
- ریچاردز، آیورآرمسترانگ. (۱۳۸۲). **فلسفه بلاغت**. مترجم: علی محمدی آسیابادی. تهران: قطره.
- ریکور، پل. (۱۳۷۸). **زندگی در دنیای متن**. ترجمه بابک احمدی. تهران: نشر مرکز.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳). **استعاره: مبنای تفکر و ابزار زیبایی**. چاپ اول. تهران: نشر سوره مهر.
- سپهری، سهراب. (۱۳۸۹). **هشت کتاب**. چاپ سوم. قم: نیلوفر.
- سیاهپوش، حمید. (۱۳۷۶). **باغ تنهایی (یادنامه‌ی سپهری)**. چاپ ششم. تهران: نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). **صورخیال در شعر فارسی**. چاپ نهم. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). **بیان**. چاپ دوم. تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). **سبک‌شناسی شعر**. چاپ دوم. تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). **نگاهی به سپهری**. چاپ هفتم. تهران: مروارید.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۰). **نقد ادبی**. چاپ دوم. تهران: فردوس.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۸۲). **طراز سخن در معانی و بیان**. چاپ اول. یزد: ریحانه الرسول.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). **زیوربدیع در زبان فارسی**. یزد: دانشگاه یزد.
- ضرابیه، محمد ابراهیم. (۱۳۸۳). **نگاه ناب (تفسیری جامع، نمادین، عرفانی و ادبی از مجموعه اشعار هشت کتاب سهراب سپهری)**. جلد اول. چاپ اول. تهران: بینادل.
- ضیاء آذری، شهریار. (۱۳۹۰). **عیار استعاره**. چاپ اول. تهران: سروش.
- طایفی، شیرزاد و لیلا کمالخانی. (۱۳۹۲). **مؤلفه‌های زبانی و بلاغی سبک ساز در حجم سبز سهراب سپهری**. مطالعات زبانی و بلاغی. دوره ۴. شماره ۸. صص ۱۴۰-۱۱۷.
- عابدی، کامیار. (۱۳۸۴). **از مصاحبت آفتاب (زندگی و شعر سهراب سپهری)**. تهران: ثالث.
- عباسی طالقانی، نظام. (۱۳۷۷). **مهمانی در گلستانه**. تهران: دریاچه.
- علوی مقدم، محمد. (۱۳۷۲). **در قلمرو بلاغت**. جلد اول. مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- علی‌پور، منوچهر. (۱۳۸۹). **سهراب سپهری (مشاهده‌ی ۱۴)**. چاپ نخست. تهران: تیرگان.
- عماد، حجت. (۱۳۷۸). **به باغ همسفران**. چاپ اول. تهران: کتاب خوب.

- فتوحی رود معجنی، محمود. (۱۳۸۵). **بلاغت تصویر**. تهران: سخن.
- فضیلت، محمود. (۱۳۹۰). **زبان تصویر در علم بیان و ساختار تصاویر ادبی**. تهران: زوآر.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۰). **زیباشناسی سخن پارسی (بیان)**. چاپ دوم. تهران: مرکز.
- گلی، احمد. (۱۳۸۷). **بلاغت فارسی (معانی و بیان)**. تبریز: آیدین.
- مرادی کوچکی، شهناز. (۱۳۸۰). **معرفی و شناخت سهراب سپهری**. چاپ اول. تهران: قطره.
- مصطفوی، مینا. (۱۳۸۹). **سیراستعاره در شعر امروز، (با نگرش بر شعر نیما، اخوان، سپهری، نادرپور، شاملو)**. تهران: نگار و نیما.
- مشهدی، محمد امیر و رضا رضایی و حسین اتحادی. (۱۳۹۷). **نقد و تحلیل تصویر استعاری در اشعار عربی سعدی**. پژوهشنامه نقدادبی و بلاغت. سال هفتم. شماره اول. صص ۲۲۰-۲۰۱.
- موسوی گرما رودی، علی. (۱۳۹۴). **غوطه در مهتاب (مجموعه مقالات درباره شعر شاعران کهن و معاصر)**. تهران: انجمن قلم ایرانیان.
- ناصری گیلانده، علی. (۱۳۸۱). **صور خیال در اشعار سهراب سپهری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه آزاد. واحد تهران مرکزی.
- هاوکس، ترنس. (۱۳۷۷). **استعاره**. مترجم: فرزانه طاهری. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۴). **معانی و بیان**. به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.
- یعقوبشاهی، نیاز. (۱۳۷۷). **عاشقانه‌ها (گزیده سروده‌های شاعران امروز ایران)**. تهران: هیرمند.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۳). **چشمه‌ی روشن**. چاپ پنجم. تهران: علمی.